

## سنجش اثرات تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری در مقیاس ناحیه: نمونه موردی ناحیه‌های استان گیلان (۱۳۳۵-۱۳۹۵)

محمد مهدی عزیزی\* - استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اسفندیار زبردست - استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مهدی برنافر - دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### Assessing the Impacts of Rural Settlements Transformation to City on Urban System at Sub-Regional level: Case of Guilan Province Sub-Regions (1956-2016)

#### Abstract

The emergence of new rural-towns, due to the growth of rural settlements and their identification as cities, caused many changes on social, economic and physical dimensions of these communities. These research focuses on assessing the differences in the urban system of Guilan province at the sub-regional level. The question of the research is what impact had transformation of rural settlements to city on changing of settlement system in different sub-regions in Guilan province. Differences in population density, urbanization rate, geographic-climatic and environmental structure of sub-regions, make the study of this province and its sub-regions important as a unique example. The method used in this research is descriptive-evaluative and data collection method is documentary. The study of the distribution pattern of cities in Guilan province in terms of four distinct sub-regions shows that the largest number of cities and population has been concentrated in the Sepidrood's Western region. Transformation of rural settlements to city as a policy in sub-regions with old cities or primate-city, was more inefficient than sub-regions lacking of old cities. With this argument, it can be said that instead of applying reclassification of rural settlements to city as a planning policy, in sub-regions with old urban structure, especially with primate city domination, it is necessary to apply other policies; that developing middle-sized cities can be considered as an efficient policy.

Keywords: Rural-Towns, Urban System, Sub-Regional level planning, Transformation of Rural Settlements to City.

#### چکیده

پیدایش شهرهای نوپدید که به دلیل رشد نقاط روستایی و شناسایی آنها به عنوان شهر رخ می‌دهد، سبب تغییرات بسیاری در نظام سکونتگاهی ملی - منطقه‌ای و سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی جوامع می‌گردد. سوال مدنظر پژوهش این است که تبدیل روستا به شهر چه تاثیری بر تغییر ماهیت نظام سکونتگاهی در مقیاس نواحی مختلف استان گیلان داشته است. تفاوت در تراکم جمعیتی، میزان شهرنشینی، ویژگی‌های جغرافیایی - اقلیمی و ساختار محیطی نواحی مختلف استان، سبب می‌شود که مطالعه این استان و نواحی آن به عنوان یک نمونه منحصر به فرد مورد توجه قرار گیرد. روش به کار گرفته شده در این پژوهش توصیفی - ارزیابی و روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. الگوی پراکنش شهرها در استان گیلان برحسب چهار ناحیه متمایز، نشان می‌دهد تمرکز بیشترین شهرها و جمعیت در ناحیه غرب سپیدرود رخ داده است. برآیند نتایج حاکی از آن است که تبدیل روستا به شهر، در نواحی با شهرهای قدیمی، خصوصاً در ناحیه‌ای که دارای تسلط نخست‌شهر است، ناکارآمدتر از نواحی فاقد شهرهای قدیمی بوده است. با این استدلال می‌توان گفت در ناحیه با تسلط نخست‌شهری ضروری است به جای سیاست تبدیل روستا به شهر به سیاست‌های دیگری روی آورد که سیاست توسعه شهرهای میانی را می‌توان به عنوان یکی از سیاست‌ها پیشنهاد نمود.

**کلیدواژه:** روستا- شهر، نظام شهری، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تبدیل روستا به شهر.

\* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۳۰۴۱۶۸؛ ایمانامه: mmazizi@ut.ac.ir

این مقاله برگرفته از بخشی از مباحث رساله دکتری آقای مهدی برنافر است که در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در دست انجام می باشد.

واقعیت‌های موجود در خصوص روندهای مرتبط با شهرنشینی خصوصا در کشورهای جهان سوم و ایران نشان‌دهنده ایجاد مسایلی نظیر خالی از سکنه شدن روستاها، عدم توسعه شهرهای میانی و کوچک، توسعه بی‌رویه شهرهای بزرگ و... در این کشورهاست. بر این اساس استدلال شده که همگرایی در توسعه زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کمتر توسعه یافته با شتاب بیشتری نسبت به مناطق دیگر، توسعه یابند؛ در غیر این صورت ادامه روندهای موجود با تمرکز توسعه اقتصادی در مناطق توسعه یافته، عدم تعادل در سطوح ملی و منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت (Purohit, ۲۰۰۸, p. ۲۲۴۹). در کنار این امر تسریع روند پیدایش شهرهای نوپدید که غالبا به دلیل رشد نقاط روستایی و شناسایی آنها به عنوان شهر رخ می‌دهد، سبب تغییرات بسیاری در نظام سکونتگاهی ملی و منطقه‌ای شده است. بدین سان اتخاذ سیاست‌هایی برای اصلاح سازمان فضایی نظام سکونتگاهی ضروری به نظر می‌رسد.

در ایران نیز روند افزایش شهرها، پس از سال‌های اجرای اصلاحات ارضی (۱۳۴۲) تسریع شده (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۳، ص. ۵۲۳) و پس از انقلاب اسلامی با شدت بیشتری ادامه پیدا کرده است؛ به طوری که افزایش تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴۳ شهر در سال ۱۳۹۵ گواهی بر این مدعاست. می‌توان اذعان نمود که چنین دگرگونی سهمناکی در شمار شهرهای کشور بدون تاثیر بر سازمان فضایی نظام سکونتگاهی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای نبوده است.

مرور ادبیات موجود نظری و تجربی موجود نشان می‌دهد تاثیراتی که تبدیل روستا به شهر بر سازمان فضایی دارد را می‌توان به دو سطح تقسیم نمود. اولین امر رابطه تبدیل روستا به شهر با تغییرات سازمان فضایی خرد (از جمله، سرایی و اسکندری، ۱۳۸۶؛ ضیاءتوانا و شریفی، ۱۳۹۲؛ زیاری و رمضان زاده، ۱۳۹۲؛ امیرانتخابی، ۱۳۹۴, Knight, ۱۹۹۴)؛

است که به سطح شهر و حوزه نفوذ آن توجه دارد. رویکرد دوم رابطه تبدیل روستا به شهر را با سازمان فضایی کلان (از جمله، زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲؛ همکاران، ۱۳۹۷؛ Mitra & et al, ۲۰۱۳; Guin & Das, ۲۰۱۵؛ Kumar, ۲۰۱۵) مورد توجه قرار می‌دهد که به جایگاه شهر در نظام فضایی منطقه و اثرات آن بر این نظام توجه دارد. از این حیث مطالعات معدودی بر تاثیرات تبدیل روستا به شهر در مقیاس ناحیه‌ای (با فرومنطقه‌ای به معنی فضایی بین محدوده محلی و منطقه‌ای) توجه داشته‌اند. در واقع گرچه از بعد فضایی انتظار می‌رود که تبدیل روستا به شهر بر روی ابعاد منطقه‌ای تاثیرگذار باشد؛ این امر می‌تواند در سطح نواحی شکل‌دهنده یک منطقه دارای اثرات متفاوتی باشد. از این منظر، نه تنها توجه به موضوع تبدیل روستا به شهر در سطح کلان ضروری به نظر می‌رسد، بلکه توجه به آن بر اساس پیامدهای فضایی حاصل بر نواحی مختلف یک منطقه نیز ضرورت می‌یابد.

مطالعه اجمالی شرایط شهرنشینی در استان گیلان نشان می‌دهد که از نظر تاریخی و طبق تحقیقات انجام شده، این منطقه از پیشینه بسیار کمتری در شهرنشینی در مقایسه با سایر نقاط ایران برخوردار است (آمار، ۱۳۸۶، ص. ۷؛ عظیمی، ۱۳۹۱)؛ لیکن روند افزایش شهرهای استان طی چند دهه اخیر همواره به صورت صعودی بوده و از ۱۰ شهر در سرشماری ۱۳۳۵ به ۵۲ شهر در سرشماری ۱۳۹۵ رسیده است. مضافا بررسی تعداد و جمعیت شهرها در استان نشان می‌دهد که شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر بیشترین تعداد شهرها با کمترین میزان جمعیت را در تمام دوره‌های سرشماری به خود اختصاص داده‌اند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۴).

گرچه عموما از استان گیلان به عنوان یک منطقه جلگه‌ای یا معتدل نام برده می‌شود، لیکن شرایط جغرافیایی و محیطی آن سبب شده که این استان

از تنوع فضایی خاصی در مقایسه با بسیاری دیگر از نواحی ایران برخوردار باشد. دارا بودن نواحی جلگه‌ای، کوهستانی و بیابانی درون یک پهنه همگن جغرافیایی که با عوارض طبیعی مشخص (کوه‌ها، دره‌ها و ساحل) از سایر نقاط ایران جدا شده است، تفاوت در تراکم جمعیتی، میزان شهرنشینی و ساختار محیطی خرده نواحی مختلف استان، سبب می‌شود که مطالعه این استان و نواحی آن به عنوان یک نمونه منحصر به فرد که می‌تواند مدلی از یک جامعه بزرگتر باشد مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس چنین سوالی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده‌است که تبدیل روستا به شهر چه تاثیری بر نظام شهری نواحی مختلف استان گیلان داشته‌است؟ و آیا چنین تغییراتی به بهبود نظام شهری نواحی استان یاری رسانده و یا نتوانسته در راستای تحقق چنین هدفی کارآمد باشد. بدین‌سان توجه این مقاله به پاسخگویی به این پرسش‌ها معطوف خواهد بود.

### پیشینه تحقیق

یکی از مباحث اساسی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توجه به تفاوت‌های موجود در سطوح و ابعاد مختلف منطقه‌ای است؛ زیرا هر یک از سطوح فضایی، برتری‌ها و ناکارآمدی‌های مربوط به خود را دارد (Ma, 2002). همچنین آگاهی از سطوح توسعه در نواحی مختلف از ضروریات اجرای برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲۱). چراکه در حال حاضر یکی از مشکلات جدی برنامه‌های توسعه و اجرای آنها در سطوح منطقه‌ای، عدم انطباق نظام تقسیمات کشوری با خصوصیات منطقه‌ای است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱).

در برنامه‌ریزی، غالباً منظور از منطقه، محدوده‌ای جغرافیایی است که کوچکتر از سطح ملی و بزرگتر از سطح شهری است (زیاری، ۱۳۷۸، ص. ۶۰؛ شیخ اعظمی، ۱۳۹۲، ص. ۳۵). بر این مبنا منطقه خود مقیاس‌های گوناگونی دارد که به طور کلی شامل سه الگوی اصلی ناحیه (زیر-منطقه یا خرده-منطقه)

، منطقه و کلان-منطقه می‌شود. ناحیه عرصه‌ای فضایی است که به واسطه یک یا چند ویژگی معین از عرصه‌های پیرامونی متمایز شده است؛ لذا ناحیه را بخشی از منطقه به شمار می‌آورند (سعیدی، ۱۳۸۷، ص. ۷۹۷).

در برنامه‌ریزی، نظریه‌های توسعه منطقه‌ای در دو دسته قابل طبقه‌بندی هستند. دسته اول نظریاتی که بر تقسیم فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی به بخش‌های اقتصادی تکیه می‌کنند. در دسته دوم با اولویت دادن به قلمروهای فضایی، فعالیت‌ها و یکپارچگی آنها در محیط بررسی می‌شوند (منزوی و دلیر، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۵). شماری از نظریات توسعه منطقه‌ای با دیدگاه فضایی اصالت را به نظام استقرار سکونتگاه‌ها در فرایند توسعه بخشیده و با انتخاب نگرش بینابین از دو حد تمرکزگرایی و تمرکززدایی، تجمیع غیرمتمرکز را پیشنهاد کرده‌اند. هسته مرکزی چنین نظریاتی وجود سازمان فضایی ویژه‌ای است که با رشد اقتصادی کشور ایجاد می‌شود (صرافی، ۱۳۷۷، ۱۲۸-۱۲۹). از این حیث سلسله‌مراتب شهری، تجسم فضایی سکونتگاه‌های گوناگون یک کشور در اقتصاد ملی محسوب می‌شود (Short, 1996, p. 40)؛ در حالی که فقدان توازن در توسعه سکونتگاه‌ها و سلسله‌مراتب شهری، یکی از عوامل بروز معضلات اقتصادی-اجتماعی در شهرها و در سطوح مختلف شناخته شده که ممکن است به پیامدهای ناگواری منجر شود (Pacione, 2003, p. 291). با توجه به این امر، یکی از مهمترین موضوعات در برنامه‌ریزی فضایی، شکلهی به سازمان فضایی مناطق است؛ به نحوی که بتواند در دستیابی به تعادل عمل نماید (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۹۸).

به‌دنبال مطرح شدن این دیدگاه‌ها، سیاست تبدیل روستا به شهر از طریق اعطای موقعیت قانونی به سکونتگاه‌ها و ایجاد زیرساخت‌ها و خدمات در آنها به‌عنوان یک سیاست کاربردی جهت حمایت از نظام روستایی و سازماندهی نظام شهری در سطح منطقه‌ای و ملی با تاکید بر روستاهایی که از جمعیت

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۵۴ بهار ۹۸  
No.54 Spring 2019

بالا تر و پتانسیل های اقتصادی بهتر برخوردار بودند، مورد توجه قرار گرفت (Van Leeuwen, ۲۰۰۸؛ UNCHC, ۲۰۰۹). در این الگو، شهرهای کوچک همانند موتوری برای ایجاد توسعه اقتصادی در نواحی روستایی شناخته می شوند (Courteny et al., ۲۰۰۷). از نظر جان نایت، تبدیل روستا به شهر فرآیندی مستمر است و در جایی اتفاق می افتد که دولت ها به دنبال اصلاحات اجتماعی طولانی مدت هستند (Knight, ۱۹۹۴, p. ۲۱۶). بر این اساس، بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته نظیر هند، چین، مالزی سیاست های ارتقای نواحی روستایی به شهری را پی گرفتند. از آنجایی که روستاهای بزرگ غالباً قدیمی ترین و پایدارترین مراکز سکونتگاهی در ایران را تشکیل می دهند، این استدلال صورت پذیرفت که می توانند به عنوان واسطه هایی میان شهرهای بزرگ و روستاهای کوچک معرفی شوند (Sartipipour, ۲۰۱۲, p. ۳۶۹) و با تبدیل روستا به شهر به عنوان یک سیاست کاربردی، به کاهش سطح شکاف موجود در در نظام شهری کمک نمود. در سطح جهانی، طی دو دهه اخیر مقیاس ناحیه ای توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. در انگلستان مقیاس ناحیه ای به عنوان فضایی برای برنامه ریزی که کوچکتر از مقیاس مناطق تعریف شده فضایی استاندارد و بزرگتر از حوزه حاکمیتی محلی مرسوم تعریف شده، شناخته می شود (McCann & Ward, ۲۰۱۱, Buser & Farthing, ۲۰۱۱, p. ۳۰۸). در کانادا تقسیم فضایی مناطق به نواحی کوچکتر یکی از روش های متداول در تامین امکانات درمانی محسوب می شود (Alberta Health & Wellness, ۲۰۱۳, p. ۵). چاکرابورتی و چاکما (۲۰۱۴) در مطالعه خود روی ناحیه برادهامان در بنگال غربی (هند) نشان می دهند که میان نواحی درونی تشکیل دهنده این منطقه، سطوح متفاوتی از شهرنشینی وجود دارد.

مطالعات ناحیه ای در ایران نیز در قالب برنامه ریزی در سطح یک یا چند شهرستان در قالب طرح های

ناحیه ای در ذیل طرح کالبدی ملی سابقه ای بیش از دو دهه دارد. در میان مطالعات صورت گرفته در داخل کشور نیز اغلب پژوهش ها بر رابطه شهرهای کوچک با ناحیه پیرامونی خود در سطح بخش یا شهرستان متمرکز شده اند (زیاری و رمضانزاده، ۱۳۹۲). مرصوصی و همکاران (۱۳۸۸)، به منظور تحلیل توسعه ناحیه ای با تاکید بر تقویت سازمان فضایی شهرها، شهرهای کوچک ناحیه مرند را مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده و راهبردهای تقویتی برای سازمان فضایی در این ناحیه به عنوان یک فضای جغرافیایی کوچکتر از منطقه آذربایجان، ارائه می دهند. افزاینده و همکاران (۱۳۸۹) نقش و عملکرد شهر زیرآب به عنوان یک کانون شهری کوچک در توسعه ناحیه پیرامون آن را مورد توجه قرار می دهند. طبق یافته های ایشان شهر زیرآب فقط به عنوان مرکز ارائه خدمات بوده و عملکردی ضعیف در سطح ناحیه داشته و نتوانسته تواند نقش مطلوبی در تعادل بخشی توسعه ناحیه ای ایفا نماید.

زیاری و رمضانزاده (۱۳۹۲) در مطالعه خود شهرستان بروجرد را به عنوان ناحیه مورد مطالعه برای ارزیابی اثرات تبدیل اشترینان به شهر تعریف می کنند. برخی پژوهش ها نیز مجموعه شهری (یا مجموعه ای از شهرستان های) خاصی را به عنوان یک ناحیه فضایی مورد توجه قرار داده اند. از جمله زبردست و رضایور (۱۳۹۴) با مطالعه محدوده مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائم شهر به عنوان یک ناحیه فضایی بهم پیوسته، ۶ شهر را بر اساس نقش ها و ویژگی های مذکور، جزو شهرهای کوچک دارای بالاترین ظرفیت و توانایی در اجرای اقدامات و سیاست های مربوط به توسعه منطقه ای برای ایجاد توازن و تعادل در سطح محدوده مورد نظر معرفی می کنند. امیرانتخابی (۱۳۹۴) با تحلیل پیامدهای ایجاد نوشهرها در شبکه سکونتگاهی ناحیه فومنات (شامل شهرستان های فومن، صومعه سرا و شفت) طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ و عملکرد ناحیه ای شهرهای فومنات نشان می دهد که نوشهرهای این

ناحیه طی سه دهه اخیر توان نگهداشت جمعیت و ایجاد تعادل در سازمان فضایی ناحیه را نداشته‌اند. بر این مبنای مشاهده می‌شود که نه تنها توجه به سطح منطقه‌ای در مطالعات مربوط به سازمان فضایی و نظام شهری، دارای اهمیت اساسی می‌باشد، بلکه توجه به خصوصیات فضایی در سطوح ناحیه‌ای به دلیل برخورداری از شرایط متفاوت اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و غیره با شرایط کلان منطقه و تنوع ویژگی‌های آن سبب می‌شود تا توجه به تفاوت‌های ناحیه‌ای در مطالعه نظام شهری واجد اهمیت باشد. چنین شرایطی را می‌توان در رابطه با شهرهای حاصل از تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر نیز مشاهده نمود؛ چرا که شرایط متفاوت فضایی در سطوح منطقه‌ای و ناحیه‌ای سبب خواهد شد تا سکونتگاه‌های شهری نوپدید در یک پهنه فضایی، عملکردهای متفاوتی پیدا کنند که این امر بر قضاوت در رابطه با مطلوبیت این دسته از شهرها برای تغییر سازمان فضایی قابل توجه است. بر این مبنای پژوهش حاضر تمرکز خود را بر روی ارزیابی

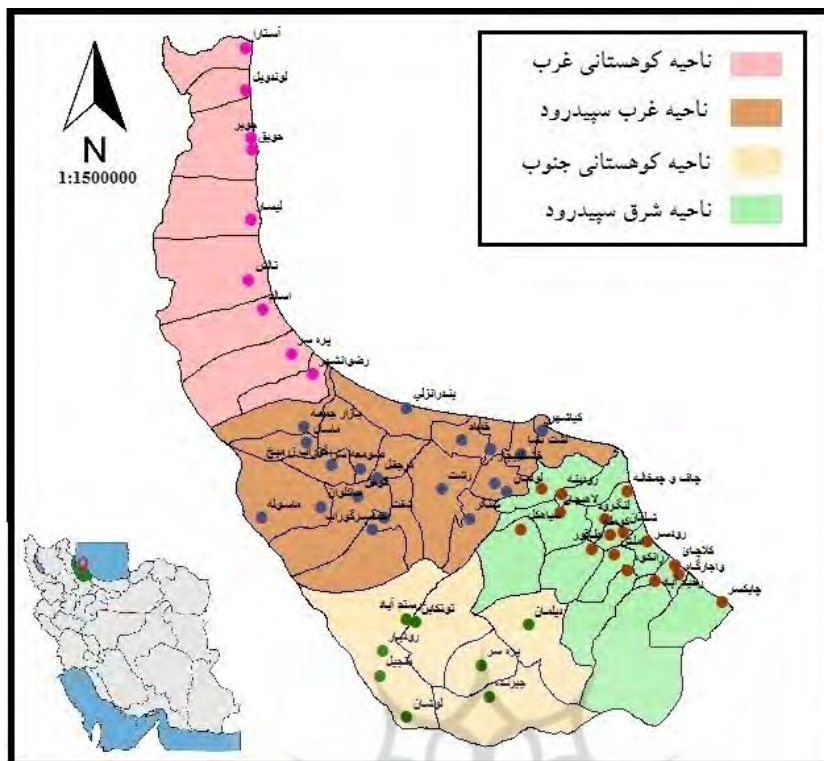
تفاوت‌های موجود در نظام شهری استان گیلان در سطح ناحیه‌ای و تحلیل اثرات ناشی از افزایش شمار شهرها بر نظام شهری نواحی مختلف استان قرار می‌دهد.

### روش شناسی

هدف این پژوهش تحلیل تأثیرات ناشی از تبدیل روستا به شهر در سطوح ناحیه‌ای در استان گیلان است. در این پژوهش شهرهای جدیدی که طی دوره‌های مختلف سرشماری به نظام شهری استان گیلان افزوده شده‌اند به‌عنوان شهرهای نوپدید، مدنظر قرار گرفته‌اند. برای تحلیل اثرات تبدیل روستا به شهر در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، روش‌های متفاوتی برای تحلیل سکونتگاه‌ها وجود دارند؛ اما مهمترین شاخص‌هایی که برای سنجش وضعیت نظام شهری و تغییرات آن در طول زمان به کار می‌روند را می‌توان در سه دسته شاخص‌های سنجش نخست‌شهری، تعادل و تمرکز دسته‌بندی نمود. دلیل به کار گیری این دسته از شاخص‌ها، سهولت دسترسی به داده‌های مورد نیاز و تحلیل آنها و استفاده از

جدول ۱: شاخص‌های سنجش نخست‌شهری، تمرکز و تعادل شهری منبع، زبردست، ۱۳۸۶؛ تقوایی و موسوی، ۱۳۸۸، ۲۸

توضیحات	اجزای فرمول	فرمول	شاخص
هرچه مقدار عددی شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بالاتر نخست‌شهری در منطقه است.	P، کل جمعیت شهری P <sub>1</sub> ، جمعیت شهر اول P <sub>2</sub> ، جمعیت شهر دوم P <sub>3</sub> ، جمعیت شهر سوم	$UPI = \frac{P_1}{P}$	نخست‌شهری
		$GI = \frac{P_1}{P_2 + P_3 + P_4}$	گینزبرگ
هرچه مقدار شاخص هرفیندال بیشتر باشد، میزان تمرکز بیشتری را نشان می‌دهد. با افزایش شاخص هندرسون، تمرکز کاهش می‌یابد.	P <sub>i</sub> ، جمعیت شهر i P، کل جمعیت شهری	$Hi = \sum_{i=1}^n \left(\frac{P_i}{P}\right)^2$	هرفیندال
		$UD = \left[ \sum_{i=1}^n \left(\frac{P_i}{P}\right)^2 \right]^{-1}$	هندرسون
هرچه مقدار این شاخص بیشتر باشد، توزیع به‌سوی تعادل در حرکت است.	P <sub>i</sub> ، نسبت جمعیت شهر به کل جمعیت شهری	$H = - \sum_{i=1}^n P_i \cdot \ln P_i$	آنتروپی
برای ضریب b عدد ۱- نشان دهنده توزیع نرمال و اعداد بزرگتر از یک حاکی از نخست‌شهری و P <sub>r</sub> نشان دهنده اهمیت نسبی شهرهای متوسط و میانی است.	P <sub>r</sub> ، جمعیت شهر مورد نظر یا شهر r ام R، مرتبه شهر b، شیب خط رتبه‌اندازه	$R_r = \frac{P_r}{R^b}$	رتبه-اندازه



شکل ۱: الگوی پراکنش شهرهای استان گیلان بر مبنای چهار ناحیه فضایی متمایز

به نتیجه مورد نظر از نتایج سرشماری‌های سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶)، مطالعات آمایش استان (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۶) و مطالعات منطقه‌شهری رشت (مهندسی‌ن مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۱) بهره گرفته شده است.

#### ویژگی‌های عمومی

استان گیلان، یکی از استان‌های شمالی ایران است که حدود ۱۴ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. گیلان از شمال به دریای کاسپین و جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان‌های زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. از نظر طبقه‌بندی اقلیمی مناطق مختلف استان را می‌توان به چهار پهنه خیلی مرطوب، مرطوب، نیمه مرطوب و نیمه خشک تقسیم نمود. سرزمین گیلان توسط سپیدرود به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌شود که از نظر تاریخی بیه پیش و بیه پس خوانده می‌شدند. استان گیلان از سه ناحیه

این روش‌ها در بسیاری از پژوهش‌های مشابه است که امکان تحلیل و مقایسه نتایج پژوهش با سایر پژوهش‌ها را تسهیل می‌نماید. با توجه به موضوعات مورد بحث در سطوح ناحیه‌ای، به منظور تحلیل نظام شهری شاخص‌های میزان نخست شهری، شاخص چهار شهری گینزبرگ، شاخص تمرکز هرفیندال، شاخص عدم تمرکز هندرسون، شاخص انتروپی و قاعده رتبه-اندازه به کار گرفته شده‌اند.

این پژوهش را براساس هدف آن، می‌توان یک تحقیق توسعه‌ای برشمرد؛ چراکه در آن پژوهشگر به دنبال درک سازوکارهای موجود به منظور تبیین کارآمدی یا ناکارآمدی موضوع پژوهش است. از بعد ماهیت تحقیق این پژوهش را می‌توان از جمله پژوهش‌های استقرایی-قیاسی دانست. با توجه به سوالات پژوهش، این تحقیق در زمره تحلیل‌های توصیفی یا غیرآزمایشی قرار می‌گیرد که در آن به بررسی پس‌رویدادی تاکید خواهد شد. گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. به منظور نیل

جغرافیایی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی تشکیل شده است (پوررمضان و مهدوی، ۱۳۹۱، ۱۱۵). به‌طور کلی سطحی معادل، ۹۸۴۰۰۰ هکتار از استان، معادل ۶۷/۸۶ درصد مساحت آن را کوهستان و بقیه مساحت آن را نواحی جلگه‌ای تشکیل داده‌است که شیب آن کمتر از ۵ درصد است (مهندسین مشاور ایران آمایش، ۱۳۹۱). از نظر سیاسی استان گیلان به ۱۶ شهرستان به نام‌های آستارا، آستانه اشرفیه، املش، بندرانزلی، رشت، رضوانشهر، رودبار، رودسر، سیاهکل، شفت، صومعه‌سرا، طوالش، فومن، لاهیجان، لنگرود و ماسال تقسیم می‌شود.

قبل از انقلاب اسلامی عمده‌ترین منطقه‌بندی‌های کشور شامل منطقه‌بندی بتل، ستیران، میسرا و اهلرز بوده و بعد از انقلاب طرح جامع آب، اسکان ۹۰، طرح‌های کالبدی‌های ملی و منطقه‌ای انجام شده است. در قالب طرح کالبدی ملی، نظام سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی استان گیلان به سه ناحیه برنامه‌ریزی شرق، مرکز و غرب تقسیم شده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان محدوده استان گیلان را به چهار ناحیه یا فرو-منطقه با مشخصات زیر تقسیم نمود:

• ناحیه غرب سپیدرود، با منابع آب غنی، اقلیم مرطوب، جلگه گسترده و هموار، سکونتگاه‌های فشرده. از نظر تقسیمات سیاسی این ناحیه با شهرستان‌های رشت، بندرانزلی، شفت، فومن، ماسال، صومعه‌سرا و بخش کیانشهر شهرستان آستانه اشرفیه انطباق می‌یابد.

• ناحیه شرق سپیدرود، با منابع آب غنی، اقلیم مرطوب، ترکیب جلگه و کوهستانی، سکونتگاه‌های فشرده. این ناحیه شامل شهرستان‌های رودسر، لنگرود، لاهیجان، بخش مرکزی آستانه اشرفیه و بخش مرکزی شهرستان سیاهکل می‌گردد.

• نوار کوهستانی غربی، به‌صورت فشرده و باریک در بخش غربی استان با مجاورت کوه و دریا و سکونتگاه‌های خطی. این محدوده شامل شهرستان‌های آستارا، تالش (طوالش) و رضوانشهر

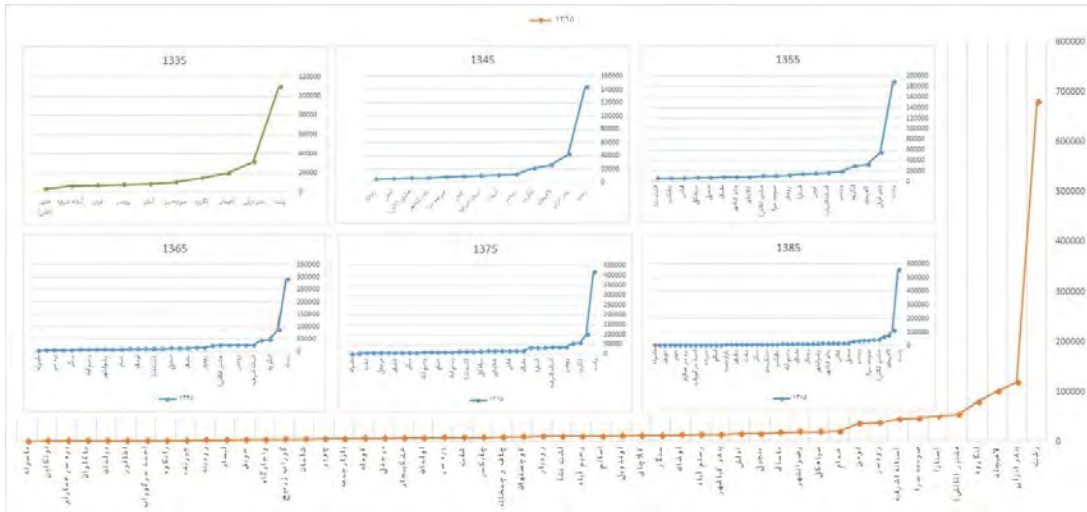
می‌باشد.

• ناحیه کوهستانی جنوبی، به‌صورت مناطق کوهستانی و بیابانی با جمعیت پراکنده و توان محدود کشاورزی و اقلیم نیمه‌خشک (مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۱). این ناحیه شامل شهرستان رودبار و بخش دیلمان از شهرستان سیاهکل می‌گردد.

این تقسیم‌بندی گرچه به‌طور کامل با مرزهای سیاسی موجود در استان انطباق ندارد، لیکن باتوجه به ویژگی‌های جغرافیایی استان با شرایط شهرها انطباق بیشتری می‌یابد که به‌عنوان مبنای ناحیه‌بندی پژوهش لحاظ می‌شود (شکل ۱).

طبقه‌بندی شهرها برحسب نواحی چهارگانه استان نشان می‌دهد که بیشترین تعداد شهرها در ناحیه غرب سفیدرود و کمترین تعداد شهرها در ناحیه کوهستانی جنوب واقع شده‌اند. مجموعه کوهستانی غرب مشتمل بر ۹ شهر است که آستارا و هشتیر با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر شهرهای میانی ناحیه و سایر شهرهای آن در رده شهرهای کوچک جای می‌گیرند. در ناحیه مرکزی استان (غرب سپیدرود) شهرستان رشت مشتمل بر ۸ نقطه شهری قرار دارد که بجز شهر رشت به عنوان بزرگترین شهر استان، سایر شهرها در رده شهرهای کوچک قرار می‌گیرند. شهر بندرانزلی به تنهایی در یک شهرستان قرار دارد. شهرستان‌های صومعه‌سرا و فومن نیز هر کدام شامل ۴ نقطه شهری هستند که در بخش غربی این ناحیه قرار دارند. شهر بندر کیانشهر گرچه در این ناحیه قرار دارد اما از نظر تقسیمات سیاسی وابسته به شهرستان آستانه اشرفیه است.

ناحیه شرقی استان مشتمل بر ۵ شهرستان اصلی است که لاهیجان به عنوان مرکز ناحیه با شهر رودبنه در یک شهرستان قرار می‌گیرد. شهرهای سیاهکل و آستانه اشرفیه نیز در شهرستان‌هایی قرار دارند که یک شهر آن در این ناحیه و شهر دیگر آن در ناحیه‌ای دیگر قرار دارد. شهرستان‌های لنگرود و رودسر هر کدام شامل ۵ نقطه شهری هستند. املش و رانکوه با یکدیگر در شهرستان املش قرار دارند.



شکل ۲: نمودار تغییرات جمعیت شهرهای استان طی سرشماری‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵

گسترده‌گی قاعده هرم شهری استان شده‌است. بیشترین تحول در تعداد شهرها طی شش دهه اخیر، در ناحیه غرب سپیدرود (از ۴ شهر به ۱۹ شهر) و کمترین تعداد در نوار کوهستانی غربی (از ۲ شهر به ۹ شهر) صورت گرفته‌است. با این حال بیشترین نسبت پیدایش شهرها در ناحیه کوهستانی جنوب (از صفر به ۸ شهر) و پس از آن در غرب سپیدرود (۴,۷۵ برابر) بوده است. نسبت افزایش شهرها در نواحی کوهستانی غربی نیز ۴,۵ و در شرق ۴ برابر بوده‌است. از بعد میزان شهرنشینی گرچه تعداد جمعیت شهرنشین استان طی شش دهه بیش از ۷,۳ برابر شده‌است، بیشترین تعداد افزایش در ناحیه غرب سپیدرود و کمترین افزایش در ناحیه کوهستانی جنوب رخ داده‌است. درحالی‌که به لحاظ نسبت افزایش، بیشترین نسبت ابتدا در ناحیه کوهستانی جنوب (از صفر به ۶۰,۸۳ نفر) و پس از آن در نوار کوهستانی غرب به میزان ۱۴,۳۲ برابر اتفاق افتاده‌است.

از آنجایی که بخش عمده‌ای از فضای جغرافیایی استان را نواحی جنگلی و بیابانی در جنوب تشکیل می‌دهند، عمده جمعیت استان به‌صورت بسیار فشرده در بخش جلگه‌ای استقرار یافته‌اند. مضافاً جمعیت محدودی که در مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند، در الگوی

ناحیه کوهستانی جنوب یک پهنه نسبتاً منزوی و جداگانه را شامل می‌شود که به جز شهر دیلمان که در شهرستان سیاهکل قرار گرفته است، سایر شهرهای آن در شهرستان رودبار قرار دارند.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها الگوهای تغییرات جمعیتی در نظام شهری استان گیلان

روند تغییرات جمعیتی استان طی سرشماری‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر همواره بیشترین تعداد شهرها را به خود اختصاص داده‌اند. براساس داده‌های سال ۱۳۹۵ مشاهده می‌شود که تنها ۶ شهر استان در رده شهرهای میانی و بزرگ جای گرفته و ۴۶ شهر در زمره شهرهای کوچک قرار دارند. رشد جمعیتی شهرهای کوچک استان به‌گونه‌ای نیست که این شهرها بتوانند از طبقه کمتر از ۱۵ هزار نفر خارج شده و به طبقه بالاتر انتقال یابند. تنها طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ سه شهر املش، سیاهکل و منجیل توانسته‌اند از طبقه جمعیتی کمتر از ۱۵ هزار نفر خارج شده و در طبقه ۱۵ تا ۲۵ هزار نفر قرار گیرند (آمار، ۱۳۸۶). سایر شهرهایی که طی دوره‌های مختلف به نظام شهری استان افزوده شده‌اند در طبقه کمتر از ۱۵ هزار نفر باقی مانده‌اند که این امر موجب تشدید



جدول ۲: روند تحولات شهرها در محدوده‌های مختلف استان گیلان طی سرشماری؛ ماخذ، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶؛ براساس سرشماری‌های سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

محدوده	غرب سپیدرود	شرق سپیدرود	کوهستانی غرب	کوهستانی جنوب	کل
۱۳۳۵	تعداد شهرها	۴	۲	۰	۱۰
	شهر موجود	رشت، بندرانزلی، صومعه‌سرا، فومن	آستانه، لاهیجان، اشرفیه، لنگرود، رودسر	آستارا، هشتر	-
	جمعیت	۱۵۷۷۹۳	۴۸۵۴۰	۱۱۷۷۹	۲۱۸۱۱۲
۱۳۴۵	تعداد شهرها	۵	۲	۱	۱۳
	شهر جدید	بندرکیاشهر	املش	رودبار	-
	جمعیت	۲۰۹۷۶۰	۷۳۴۰۳	۱۶۴۰۴	۳۰۳۶۷۶
۱۳۵۵	تعداد شهرها	۶	۳	۳	۱۸
	شهر جدید	خام	سیاهکل	متجیل، رستم‌آباد	-
	جمعیت	۲۸۲۸۶۲	۱۰۸۹۰۲	۲۷۹۲۱	۴۴۲۷۳۶
۱۳۶۵	تعداد شهرها	۱۳	۱۱	۴	۳۲
	شهر جدید	خشکبیجار، ماسال، لشت‌نشا، کوچصفهان، ماسوله، سنگر، شفت	کومله، واجارگاه، چابکسر، کلاچای، رحیم‌آباد	پره‌سر، لوشان	-
	جمعیت	۴۸۹۴۳۸	۱۹۸۶۹۱	۶۰۰۴۷	۷۸۷۶۴۳
۱۳۷۵	تعداد شهرها	۱۴	۱۲	۵	۳۵
	شهر جدید	مرجفل	شلمان	جیرنده	-
	جمعیت	۶۶۰۳۳۷	۲۵۶۰۹۳	۸۰۱۹۸	۱۰۴۹۸۶۷
۱۳۸۵	تعداد شهرها	۱۷	۱۵	۹	۴۹
	شهر جدید	بازارجمعه، گوراب زرمیخ، احمد سرگوراب	رودبنه، اطاقور، رانکوه	لوندویل، چوبر، حویق، لیسار	توتکابن، دیلمان، بره‌سر
	جمعیت	۸۲۸۲۹۸	۲۸۹۷۱۸	۱۱۸۱۲۶	۱۲۹۹۱۷۲
۱۳۹۰	تعداد شهرها	۱۸	۱۶	۸	۵۱
	شهر جدید	لولمان	چاف و چمخاله	-	-
	جمعیت	۹۳۹۶۵۱	۳۳۶۰۵۰	۱۵۷۲۹۷	۱۴۹۷۵۹۶
۱۳۹۵	تعداد شهرها	۱۹	۱۶	۹	۵۲
	شهر جدید	ماکلوان	-	-	-
	جمعیت	۱۰۱۱۷۶۶	۳۵۹۶۶۰	۱۶۸۷۰۹	۱۶۰۳۰۲۶
سهم جمعیت	۶۳،۱	۲۲،۴	۱۰،۵	۳۷،۵	۱۰۰

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۵۴ بهار ۹۸  
No.54 Spring 2019

۱۵

روستایی اسکان یافته‌اند (تعداد محدود شهرهای کوهستانی و جمعیت اندک آنها شاهدهی بر این امر است). نامساعد بودن شرایط طبیعی ناحیه کوهستانی جنوب، بادهای شدید، نامساعد بودن خاک برای کشاورزی و پراکندگی سکونتگاه‌ها از جمله عوامل موثر بر رشد اندک این ناحیه است. در مقابل، عوامل اصلی رشد ناحیه غرب سپیدرود را می‌توان به دلیل برخورداری از امکانات طبیعی مساعد، تمرکز امکانات در شهر رشت دانست. تحلیل رتبه-اندازه شهرهای استان بر حسب

### نواحی چهارگانه

تحلیل رتبه-اندازه شهرهای استان طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵ می‌تواند روشنگر تاثیرات تبدیل روستا به شهر بر نظام ناحیه‌ای باشد. در سال ۱۳۳۵ هیچ شهری در منطقه کوهستانی جنوب منظور نشده‌است. در هر دو منطقه شرق و غرب سپیدرود چهار شهر وجود داشته‌اند که بیشترین اختلاف میان شهر نخست و آخرین شهر در منطقه غرب سپیدرود وجود داشته‌است. در حالیکه در دو ناحیه غرب سپیدرود و کوهستانی غرب کمبود جمعیت وجود داشته‌است، در منطقه شرق سپیدرود شهرها با مازاد جمعیت نسبت به مدل رتبه-اندازه روبرو هستند. مطالعه نظام شهری در سطح ناحیه‌ای در سال ۱۳۴۵ نیز متضمن مفهیمی مانند دوره قبل است. با این حال در این دوره دو شهر املش در شرق سپیدرود و بندرکیاشهر در غرب سپیدرود به نظام شهری

افزوده شده‌اند که هر دو در انتهای نظام شهری قرار می‌گیرند و شهر رودبار به‌عنوان اولین شهر ناحیه کوهستانی جنوب ظهور می‌یابد. در سال ۱۳۵۵ شهر منجیل به ناحیه کوهستانی جنوب، کلاچای، سیاهکل و چابکسر به خرده-منطقه شرق و ماسال و لشت‌نشا به خرده-منطقه غرب سپیدرود افزوده شده‌اند. تا این دوره در ناحیه کوهستانی غرب شهر جدیدی شکل نگرفته‌است. چهار شهر جدیدی که به نظام شهری استان افزوده شده‌اند همگی در رتبه‌های آخر نظام شهری ناحیه خود قرار می‌گیرند. در سال ۱۳۶۵ لوشان در نظام کوهستانی جنوب، رحیم‌آباد، واجارگاه و کومله در انتهای نظام شهری ناحیه شرق، خمام، کوچصفهان، خشکبیجار، سنگر، شفت و ماسوله در انتهای نظام شهری ناحیه غرب و رضوانشهر و پره‌سر در انتهای نظام شهری ناحیه

جدول ۳: جمعیت شهرهای استان و جمعیت مدلی در سطح ناحیه در سرشماری‌های قبل از انقلاب

ناحیه	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵	
	رتبه	جمعیت	رتبه	جمعیت	رتبه	جمعیت
کوهستانی جنوب	-		۱	۴۱۰۹	۱	۴۱۰۹
			۲		۲	۷۱۶۴
	۱	۱۹۸۸۷	۱	۲۵۷۲۵	۱	۲۵۷۲۵
	۲	۱۴۵۸۰	۲	۱۲۸۶۳	۲	۱۲۸۶۳
	۳	۷۴۶۰	۳	۸۵۷۵	۳	۸۵۷۵
			۴	۶۶۳۱	۴	۶۶۳۱
			۵		۵	۸۵۷۳
			۶		۶	۶۶۶۴
سپیدرود	۱	۱۰۹۴۹۱	۱	۱۴۲۵۵۷	۱	۱۴۲۵۵۷
	۲	۳۱۳۴۹	۲	۷۱۷۷۹	۲	۷۱۷۷۹
	۳	۱۰۲۶۱	۳	۴۷۸۵۲	۳	۴۷۸۵۲
	۴	۶۶۹۲	۴	۳۵۸۸۹	۴	۳۵۸۸۹
			۵	۲۸۷۱۱	۵	۲۸۷۱۱
			۶		۶	۸۲۸۱
			۷		۷	۶۳۳۱
کوهستانی غرب	۱	۸۴۲۵	۱	۱۰۵۳۷	۱	۱۰۵۳۷
	۲	۳۳۵۴	۲	۵۲۶۹	۲	۵۲۶۹

جدول ۴: جمعیت شهرهای استان برحسب نواحی کوهستانی غرب و غرب سپیدرود پس از انقلاب اسلامی

ناحیه	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵	
	رتبه	جمعیت	رتبه	جمعیت	رتبه	جمعیت
کوهستانی جنوب شرقی سپیدرود	۱	۱۶۸۷۷	۱	۲۵۷۲۵	۱	۴۱۰۹
	۲	۱۴۵۸۰	۲	۱۲۸۶۳	۲	۷۱۶۴
	۳	۷۴۶۰	۳	۸۵۷۵	۳	۱۰۴۶۱
	۴	۶۶۱۳	۴	۶۴۳۱	۴	۱۶۶۸۹
	۵		۵		۵	۸۵۷۳
	۶		۶		۶	۶۶۶۴
	۷		۷		۷	۶۶۰۰
	۸		۸		۸	۶۴۳۶
غرب سپیدرود	۱	۱۰۹۴۹۱	۱	۱۴۲۵۵۷	۱	۱۸۸۹۵۷
	۲	۳۱۲۴۹	۲	۴۱۸۷۵	۲	۵۵۴۸۱
	۳	۱۰۲۶۱	۳	۹۲۲۶	۳	۱۵۱۰۸
	۴	۶۶۹۲	۴	۸۴۳۹	۴	۱۰۹۸۳
	۵		۵	۲۸۷۱۱	۵	۸۳۱۹
	۶		۶		۶	۸۲۸۱
	۷		۷		۷	۶۳۳۱
کوهستانی غرب	۱	۸۴۲۵	۱	۱۰۵۳۷	۱	۱۴۱۵۰
	۲	۳۳۵۴	۲	۵۸۶۷	۲	۱۰۴۴۴

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۵۴ بهار ۹۸  
No.54 Spring 2019

۱۷

در سال ۱۳۹۰ تقریباً روند سال ۱۳۸۵ ادامه می‌یابد و افزوده شدن شهر چاف و چمخاله در شرق و لولمان در غرب نمی‌تواند تغییری در ساختار نظام شهری ناحیه‌ای پدید آورد. روند مشاهده شده در سال ۱۳۹۵ کماکان ادامه روندهای پیشین در نظام شهری استان است. در این میان تنها شهر لوندویل است که جهش محسوسی در نظام ناحیه کوهستانی غرب داراست. تحلیل نظام شهری استان و روند تبدیل روستا به شهر طی شش دهه اخیر برحسب چهار ناحیه عمده استان گیلان نشان می‌دهد که افزوده شدن شهرهای جدید به نظام شهری استان در سطح ناحیه‌ای و خصوصاً پس از سرشماری ۱۳۷۵ عملاً نتوانسته به تغییری در نظام شهری ناحیه‌ای منجر شود و شهرهای جدید پدید آمده صرفاً به انتهای جدول نظام شهری موجود افزوده شده‌اند. این شهرها نه تنها تغییری در نظام رتبه-اندازه شهرها در

کوهستانی غرب شکل می‌گیرند. در سرشماری سال ۱۳۷۵ به تدریج شهرهای بسیار کوچکی ظهور می‌یابند که سبب نامتوازن شدن نظام شهری خصوصاً در ناحیه غرب سپیدرود می‌شود. در سرشماری سال ۱۳۸۵ افزایش شمار شهرها در نظام شهری هر چهار ناحیه رخ می‌دهد که اغلب این شهرها در رده‌های انتهایی نظام شهری ناحیه خود قرار می‌گیرند. بیشترین عدم تعادل در ناحیه غرب سپیدرود وجود دارد و افزوده شدن شمار شهرها در این ناحیه به تعدیل نظام شهری منجر نمی‌شود. برخلاف دوره‌های قبل، اغلب شهرهایی که در این دوره به نظام شهری افزوده شده‌اند به شدت با جمعیت متناظر با رتبه خود فاصله دارند که نشان از ناکارآمدی سیاست تبدیل روستا به شهر می‌باشد. شهر رودبار به سقوط خود در نظام کوهستانی جنوب ادامه می‌دهد.

جدول ۵: جمعیت شهرهای استان برحسب نواحی کوهستانی جنوب و شرق سپیدرود پس از انقلاب اسلامی

ناحیه	رتبه	۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۵	
		نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت
کوهستانی جنوب	۱	رودبار	۱۴۸۳۴	منجیل	۱۴۶۲۹	منجیل	۱۷۱۷۹	منجیل	۱۵۶۳۰
	۲	منجیل	۱۱۱۰۷	لوشان	۱۳۸۱۶	لوشان	۱۴۶۰۶	رستم آباد	۱۳۷۴۶
	۳	لوشان	۹۰۵۶	رودبار	۱۱۹۰۳	رستم آباد	۱۲۱۱۰	لوشان	۵۷۳۶
	۴			رستم آباد	۹۹۷۷	رودبار	۱۱۵۵۸	رودبار	۱۰۵۰۴
	۵			جیرنده	۲۹۱۴	جیرنده	۲۷۹۲	جیرنده	۲۳۲۰
	۶					توتکاین	۱۶۷۱	ذیلان	۱۷۳۹
	۷					برهسر	۱۶۵۹	برهسر	۱۶۱۳
	۸					ذیلان	۱۴۵۵	توتکاین	۱۵۱۰
شرق سپیدرود	۱	لنگرود	۴۵۹۱۰	لنگرود	۵۶۶۲۰	لاهیجان	۷۳۹۵۰	لاهیجان	۱۰۱۰۷۳
	۲	لاهیجان	۴۳۹۴۱	لاهیجان	۵۳۱۲۲	لنگرود	۶۵۴۱۴	لنگرود	۷۹۴۴۵
	۳	آستانه	۲۵۰۲۹	رودسر	۳۴۲۰۸	آستانه	۳۶۶۶۳	آستانه	۴۴۹۴۱
	۴	رودسر	۲۴۶۰۰	آستانه	۳۳۴۵۸	رودسر	۳۳۹۵۱	رودسر	۳۷۹۹۸
	۵	کالچای	۱۳۶۲۵	املش	۱۴۲۶۰	سیاهکل	۱۵۶۵۸	سیاهکل	۱۹۹۲۴
	۶	چایکسر	۱۰۲۴۴	کالچای	۱۳۹۲۴	املش	۱۵۰۷۹	املش	۱۵۴۴۴
	۷	املش	۹۴۸۸	سیاهکل	۱۳۵۶۲	کالچای	۱۱۳۱۵	کالچای	۱۳۳۷۹
	۸	سیاهکل	۸۷۵۱	چایکسر	۱۰۶۴۶	رحیم آباد	۱۰۶۲۸	رحیم آباد	۱۰۵۷۱
	۹	رحیم آباد	۶۱۷۳	رحیم آباد	۸۱۲۷	چایکسر	۷۹۱۵	چاف	۸۸۴۰
	۱۰	واچارگاه	۵۸۹۲	شلمان	۶۲۴۰	کومله	۵۷۱۳	چایکسر	۸۲۳۴
	۱۱	کومله	۵۰۳۸	واچارگاه	۶۲۰۷	شلمان	۵۶۵۵	کومله	۶۴۵۷
	۱۲			کومله	۵۷۱۹	رودبنه	۳۵۹۴	شلمان	۵۱۰۲
	۱۳					واچارگاه	۲۹۷۷	واچارگاه	۴۵۳۷
	۱۴					اطاقور	۱۵۴۲	رودبنه	۳۴۴۱
	۱۵					راتکوه	۹۶۴	راتکوه	۲۱۵۴
	۱۶							اطاقور	۱۹۳۸

مدیریت شهری

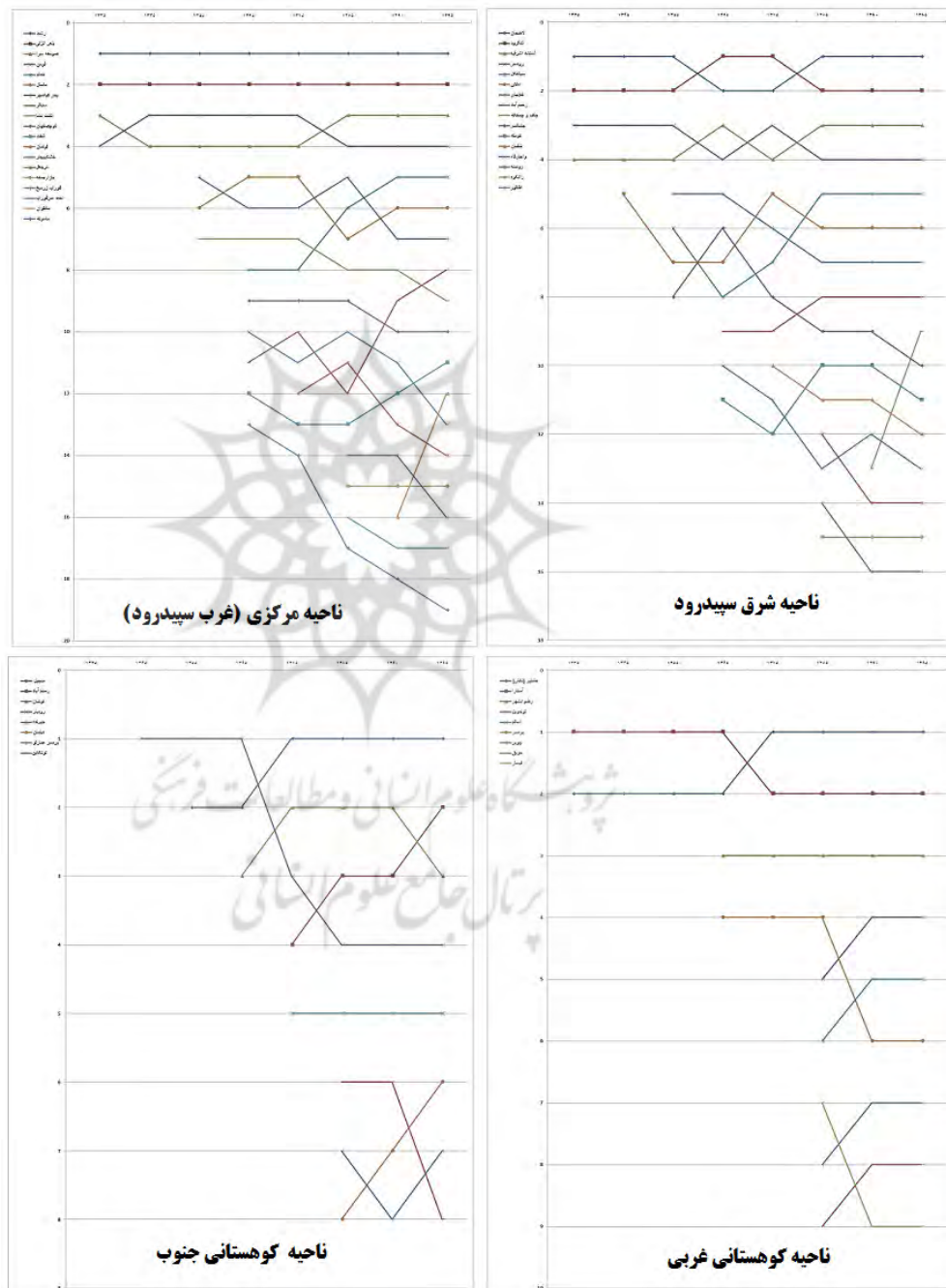
فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۵۴ بهار ۹۸  
No.54 Spring 2019

سپیدرود نشان می‌دهد که چهار شهر اول این ناحیه که جزء شهرهای قدیمی استان محسوب می‌شوند، همواره جایگاه خود را در بالای نظام شهری حفظ نموده‌اند. تمامی شهرهای جدید این ناحیه که در دوره اخیر به نظام شهری افزوده شده‌اند در رده انتهایی نظام جای می‌گیرند و تنها شهر چاف و چمخاله در این نظام در حال رشد سریع می‌باشد. البته طبق مطالعات میدانی به عمل آمده دلیل رشد ناگهانی این شهر را می‌توان به دو علت نسبت داد: اول اینکه این شهر به عنوان یک شهر ساحلی محسوب می‌شود که به عنوان یک مرکز گردشگری و جاذب جمعیت بیرونی برای ساخت و ساز خانه‌های دوم عمل می‌کند. دومین امر به نحوه بازتعریف این سکونتگاه به عنوان شهر می‌داند که شامل مجموعه‌ای از روستاهای جزیره‌ای مستقل

سطح ناحیه‌ای ایجاد نکرده‌اند؛ بلکه صرفاً جابجایی اندکی میان رتبه‌های خود طی دو دهه اخیر داشته‌اند که ناچیز جلوه‌گر می‌نماید. مطالعه الگوی پراکنش شهرها در فضای جغرافیایی استان گیلان نشان می‌دهد بیشترین تعداد شهرها در منطقه غرب سپیدرود استقرار یافته‌اند درحالی‌که کمترین تعداد شهرها، در منطقه کوهستانی جنوب شکل گرفته‌اند. بیشترین تحول در تعداد جمعیت شهرها طی شش دهه اخیر، در ناحیه غرب سپیدرود (از ۴ شهر به ۱۹ شهر) و کمترین تعداد در نوار ساحلی غربی (از ۲ شهر به ۹ شهر) صورت گرفته است؛ با این همه بیشترین نسبت پیدایش شهرها در ناحیه کوهستانی جنوب (از صفر به ۸ شهر) و پس از آن در غرب سپیدرود (۴,۷۵) برابر رخ داده است. مطالعه تغییرات رتبه-اندازه نظام شهری ناحیه شرق

شرق سپیدرود می‌باشد. در این ناحیه فوق برتری شهر رشت و برتری شهر بندر انزلی سبب شده که این دو شهر همواره در رده بالای نظام شهری قرار گیرند. به جز لشت‌نشا، سایر شهرهایی که قبل از انقلاب به نظام شهری این ناحیه افزوده شده‌اند، در دوره‌های بعدی تغییرات رتبه چندانی نداشته‌اند.

است (شامل ۱۴ روستای متفاوت که البته در طرح هادی جدید شهر، بسیاری از این روستاها از محدوده شهری خارج شده‌اند). بر این اساس روشن است که شهرهای نوظهور نتوانسته‌اند در نظام شهری این ناحیه رشد خوبی داشته باشند. وضعیت ناحیه غرب سپیدرود نیز مشابه ناحیه



شکل ۳: تغییرات رتبه-اندازه شهرهای استان گیلان در نظام‌های شهری ناحیه‌ای استان

سایر شهرهایی که بعد از انقلاب اسلامی به نظام شهری ناحیه افزوده شده‌اند همواره در نیمه پایینی جدول قرار داشته‌اند.

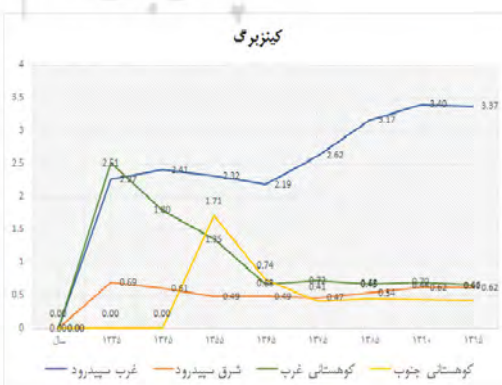
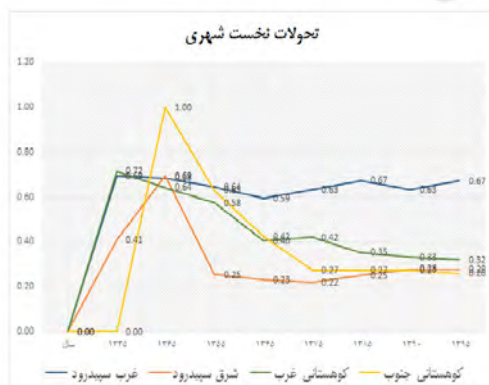
مطالعه روند تغییرات جایگاه شهرهای ناحیه کوهستانی جنوب، نشان می‌دهد که سه شهر جدیدتر ناحیه همواره در رده‌های آخر قرار دارند. شهر جیرنده در تمام دوره‌های اخیر ثبات رتبه خود را حفظ نموده است. نکته حایز اهمیت این است که شهر رودبار که به عنوان شهر مرکز ناحیه شناخته می‌شود تا سال ۱۳۶۵ دارای رتبه اول نظام شهری بوده است اما پس از وقوع زلزله سال ۱۳۶۹ رتبه آن همواره نزولی بوده تا اینکه در طول یک دهه اخیر به ثبات رسیده است. شهر لوشان در دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۰ ارتقای رتبه داشته و پس از آن مجدداً نزول کرده است. اگرچه اغلب شهرهای این ناحیه جدید محسوب می‌شوند اما به جز شهر رستم آباد، سایر شهرهای افزوده شده طی دو دهه اخیر به نظام شهری این ناحیه تغییر محسوسی در رتبه-اندازه نداشته‌اند.

نظام شهری ناحیه کوهستانی غرب به روشنی به چهار سطح متمایز تقسیم می‌شود که دو شهر اصلی ناحیه (آستارا و هشتپر) همواره در رده بالای جدول قرار داشته‌اند. شهر رضوانشهر در این نظام دارای ثبات جمعیتی بوده است اما شهر پره‌سر که هم زمان با رضوانشهر به عنوان شهر شناخته شده است، طی یک دهه اخیر افول چشمگیری داشته است.

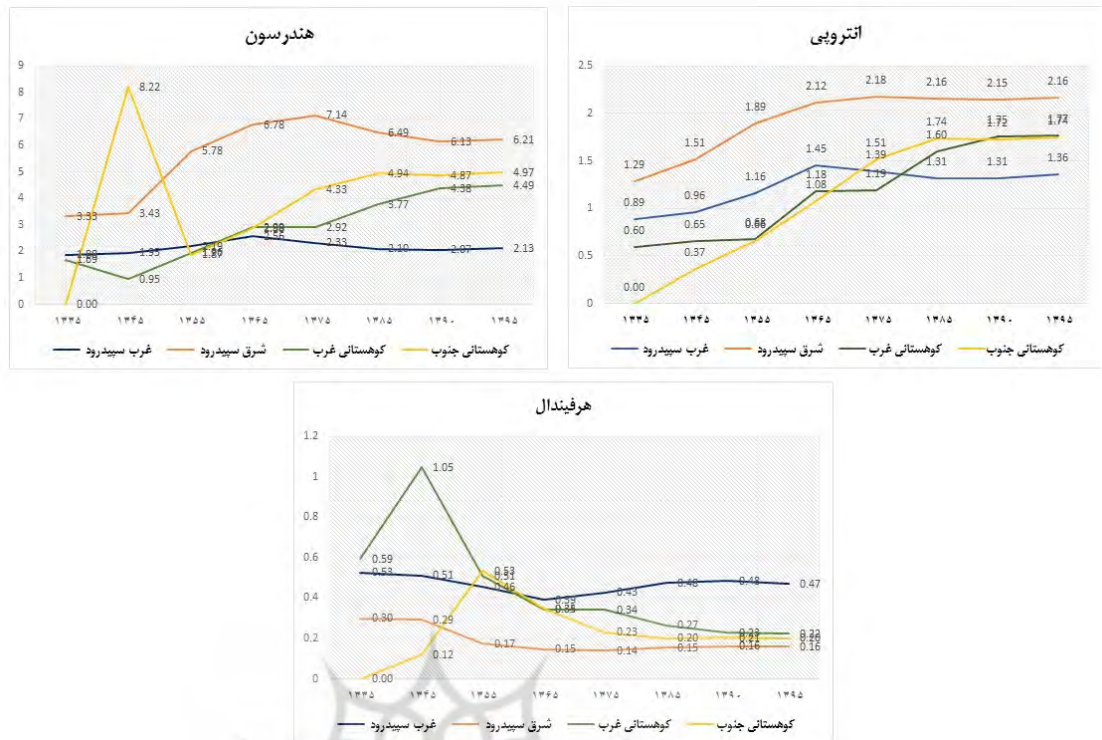
در سطح سوم شهرهای اسالم و لوندویل در ۵ سال اخیر دارای رشد بوده‌اند. در سطح آخر نیز شهرهای چوبر، حویق و لیسار قرار دارند؛ جایی که شهر لیسار همواره با تنزل رتبه رو به رو بوده است. از آنجایی که این سه شهر به همراه دو شهر اسالم و لوندویل در یک دهه اخیر به نظام شهری افزوده شده‌اند، هنوز قضاوت در مورد کارآمدی آنها در نظام اسکان زود به نظر می‌رسد.

### تغییرات شاخص نخست‌شهری در نواحی چهارگانه

مطالعه تغییرات شاخص نخست‌شهری طی دوره‌های مختلف سرشماری در نواحی چهارگانه استان نشان می‌دهد که منطقه غرب سپیدرود ابتدا با نخست‌شهری روبرو بوده ولی به تدریج کاهش یافته است؛ اما از سال ۱۳۷۵ مجدداً روند نخست‌شهری شتاب گرفته است. بدین سان می‌توان گفت افزوده شدن شهرهای کوچک به نظام شهری ناحیه غرب سپیدرود، ابتدا تاثیر مثبتی داشته ولی پس از آن و با رشد شدید شهر رشت، تاثیر خاصی بر نظام شهری ناحیه نداشته است. در ناحیه شرق سپیدرود روندی درست خلاف جهت ناحیه غرب مشاهده می‌شود؛ به طوری که این ناحیه ابتدا با نخست‌شهری روبرو بوده که پس از انقلاب و افزوده شدن شهرهای جدید کاهش می‌یابد؛ با این همه این شاخص طی یک دهه اخیر مجدداً با افزایش



شکل ۴: تغییرات شاخص‌های نخست‌شهری و گینزبرگ طی دوره‌های سرشماری در نواحی چهارگانه استان



شکل ۵: روند تغییر شاخص‌های عدم تمرکز در چهار ناحیه استان گیلان طی دوره‌های سرشماری

شهر به شدت کاهش یافته و رو به تعادل می‌رود؛ لیکن این روند به صورت تناوبی بوده و مدام کاهش و افزایش نشان می‌دهد. روند شاخص چهار شهر برای ناحیه کوهستانی جنوب تا سال ۱۳۷۵ رو به تعادل بوده ولی در سال ۱۳۸۵ افزایش می‌یابد و پس از آن مجدداً رو به کاهش می‌رود. تبدیل روستا به شهر در نواحی کوهستانی جنوب و کوهستانی غرب توانسته بر بهبود نظام شهری موثر واقع شود.

### تغییرات شاخص‌های تمرکز و پراکندگی در نواحی استان

تغییرات شاخص‌های تمرکز و پراکندگی در استان نشان می‌دهد شاخص هرfindal در چهار دهه اول از دوره مورد بررسی روند کاهشی و از دهه ۱۳۷۵ به تدریج روند افزایشی پیدا کرده است اما طی دهه اخیر این شاخص روند کاهشی داشته است. شاخص هندرسون تا سال ۱۳۶۵ روند افزایشی داشته و پس از آن روند کاهشی-افزایش تدریجی نشان می‌دهد. میزان انترویی نیز از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ افزایش

روبرو است. بیشترین تغییرات را می‌توان در ناحیه کوهستانی غرب مشاهده کرد، شاخص نخست شهری از ۰٫۷۱ به ۰٫۳۲ کاهش یافته که نشان از تاثیر مثبت تبدیل روستا به شهر در این ناحیه دارد. در ناحیه کوهستانی جنوب نیز می‌توان روندی مشابه با ناحیه کوهستانی غرب مشاهده نمود. لذا می‌توان اثرات تبدیل روستا به شهر را بر روی تغییرات نظام شهری نواحی سه‌گانه مثبت تلقی نمود، اما این امر در ناحیه غرب سپیدرود اثر چندانی نداشته است.

بررسی شاخص چهار شهر (گینزبرگ) در نواحی چهارگانه استان نشان می‌دهد دو ناحیه غرب و شرق سپیدرود در تمامی دوره‌های سرشماری دارای چهار شهر اصلی بوده‌اند که تقریباً رتبه خود را در تمامی دوره‌ها حفظ نموده‌اند. در منطقه کوهستانی غرب تا قبل از انقلاب اسلامی تنها دو شهر وجود داشتند که روند رو به تعادلی را دنبال کرده‌اند. با این حال پس از انقلاب اسلامی و از سال ۱۳۶۵ با افزوده شدن سایر شهرها به نظام شهری این ناحیه شاخص چهار

و پس از یک دوره کاهش مجدداً روند افزایشی داراست. با این حال این افزایش به‌نحوی بسیار کند پیش می‌رود.

بررسی شاخص‌های هرفیندال و هندرسون در ناحیه غرب سپیدرود نشان می‌دهد که میزان تمرکز در این ناحیه از اولین سرشماری تا سال ۱۳۶۵ رو به کاهش بوده است ولی پس از آن افزایش یافته است. در ناحیه شرق سپیدرود روند کاهش تمرکز تا سال ۱۳۷۵ ادامه می‌یابد ولی پس از آن به سمت تمرکز پیش می‌رود. در نوار ساحلی شرقی-غربی که دو منطقه غرب و شرق سپیدرود را به هم پیوند می‌دهد، فاصله میان شهرهای بزرگ و کوچک بسیار اندک است که نشان از تراکم بالای سکونتگاه‌ها در پهنه فضایی این دو ناحیه است. در ناحیه کوهستانی غرب، تمرکز جمعیت در نقاط شهری تا سال ۱۳۴۵ افزایشی و پس از آن کاهش یافته است.

در ناحیه کوهستانی جنوب نیز تا سال ۱۳۶۵ روند نوسانی مشاهده می‌شود ولی از سال ۱۳۶۵ میزان تمرکز کاهش می‌یابد. تحلیل تغییرات انتروپی به‌عنوان شاخص تبیین‌کننده میزان تعادل نظام شهری نشان می‌دهد که در ناحیه غرب سپیدرود روند تعادلی توزیع جمعیت تا سال ۱۳۶۵ رو به بهبود بوده و پس از آن کاهش می‌یابد. در ناحیه شرق سپیدرود مشابه شاخص‌های عدم تمرکز روند افزایش تعادل تا سال ۱۳۷۵ دنبال شده ولی پس از آن نوسانات جزئی در آن مشاهده می‌شود. در ناحیه کوهستانی غرب میزان انتروپی همواره روندی افزایش داشته است که نشان از حرکت به‌سوی تعادل بیشتر در نظام شهری این ناحیه دارد.

در ناحیه کوهستانی جنوب نیز میزان تعادل تا سال ۱۳۸۵ همواره افزایشی بوده و پس از آن نوسان اندکی وجود دارد. می‌توان گفت در این ناحیه نیز نظام شهری به‌سوی تعادل بیشتر حرکت کرده است. جمع‌بندی ویژگی‌های بیان شده در خصوص نظام شهری نواحی چهارگانه نشان می‌دهد که افزوده شدن شمار شهرها طی شش دهه اخیر توانسته

به بهبود نظام شهری سه ناحیه اصلی استان کمک کند ولی این امر نتوانسته است بر روی ناحیه غرب سپیدرود تاثیر خاصی بگذارد. تسلط نخست‌شهری در این ناحیه سبب شده که افزوده شدن شهرهای جدید به نظام شهری منجر به تغییر محسوسی در کل ساختار نظام ناحیه نشود. در حالیکه در نواحی فاقد شهر (ناحیه کوهستانی جنوبی) یا شهرهای جمعیت کم (ناحیه کوهستانی غرب) افزوده شدن شهرهای جدید در طول زمان به تغییرات مطلوبی در نظام شهری منجر شده است.

### نتیجه‌گیری

مطالعه نظام شهری استان گیلان، در قالب چهار ناحیه متمایز نشان می‌دهد که در نواحی با شهرهای قدیمی و تسلط نخست‌شهری، سیاست تبدیل روستا به شهر ناکارآمدتر از نواحی فاقد شهرهای قدیمی بوده است. از نظر فضایی افزوده شدن شهرهای کوچک به نظام شهری ناحیه غرب سپیدرود ابتدا تاثیر مثبتی بر آن داشته ولی پس از آن اثری معکوس گذاشته است. ناحیه شرق سپیدرود ابتدا با نخست‌شهری روبرو بوده که پس از انقلاب و با افزوده شدن شهرهای جدید مقدار آن کاهش یافته است؛ اما طی یک دهه اخیر مجدداً با افزایش نخست‌شهری روبرو بوده است. بهترین تغییرات را می‌توان در ناحیه کوهستانی غرب مشاهده کرد که در آن شاخص نخست‌شهری از ۰,۷۱ به ۰,۳۲ کاهش یافته و نشان از تاثیرات مثبت تبدیل روستا به شهر در این ناحیه دارد. در ناحیه کوهستانی جنوب نیز می‌توان روندی کماکان مشابه ناحیه کوهستانی غرب مشاهده نمود.

برآیند بررسی‌ها حاکی از آن است که در هر چهار ناحیه استان، سکونتگاه‌هایی که پس از انقلاب اسلامی به شهر تبدیل شده‌اند، دارای تغییرات زیادی در رتبه خود در جایگاه شهری بوده‌اند و تنها شمار معدودی از این شهرها موفق به ارتقای رتبه یا حفظ جایگاه خود شده‌اند. این امر خصوصاً در رابطه با شهرهایی که طی دو دهه اخیر به نظام شهری



افزوده شده‌اند بسیار ملموس است. گرچه تغییرات رتبه میان این دسته از شهرها بسیار زیاد بوده است اما چنین تغییری منجر به خروج آنها از جایگاه خود و ارتقای به رده‌های بالای نظام شهری ناحیه نشده است. بر این اساس تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان تنها به ایجاد شهرهای کوچک در رده انتهایی نظام شهری منجر شده است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که دیدگاه ما (Ma, 2002) مبنی بر اینکه هریک از سطوح فضایی، برتری‌ها و ناکارآمدی‌های مربوط به خود را دارد، در نظام شهری ناحیه‌ای استان گیلان نیز صادق است و مشابه با پژوهش‌های واندراون (1998)، مانتا و همکاران (2013)، چاکرابورتی و چاکما (2014) و گوپین و داس (2015) تفاوت‌های زیادی در نظام شهری نواحی مختلف وجود دارد. در مقایسه با پژوهش یوسفی و همکاران (1393) که معتقدند شهرهای واقع در مجاورت کلانشهرها توانسته‌اند از طبقه شهرهای کوچک عبور کرده و به طبقه شهرهای متوسط و بزرگ ارتقا یابند، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، هیچ‌کدام از شهرهایی که به نظام شهری افزوده شده‌اند، نتوانسته‌اند از طبقه شهرهای کوچک خارج شوند. در حالی که زنگنه و همکاران (1392) به نقش مثبت تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر بر نظام شهری استان خراسان رضوی اشاره می‌کنند؛ در این پژوهش روشن شد که تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر، نتوانسته تاثیر مثبتی بر کل نظام شهری استان بگذارد؛ اما در سطوح ناحیه‌ای اثرات متفاوتی برای نظام شهری نواحی مختلف استان داشته است.

با این تفاسیر می‌توان گفت اثر تبدیل روستا به شهر بر روی نظام شهری نواحی سه‌گانه مثبت بوده، اما در ناحیه غرب سپیدرود اثر چندانی نداشته‌است؛ با این حال بزرگسری فوق‌العاده شهر رشت سبب شده تا در هنگام تفسیر نتایج در سطح استانی تاثیرات تبدیل روستا به شهر نامطلوب جلوه کند. با این استدلال می‌توان گفت در نواحی دارای نظام

شهری قدیمی و خصوصا با تسلط نخست‌شهری، ضروری است به‌جای سیاست تبدیل روستا به شهر به سیاست‌های دیگری روی آورد که سیاست توسعه شهرهای میانی را می‌توان به‌عنوان یکی از این سیاست‌ها مطرح نمود.

### فهرست منابع

۱. آمار، تیمور، (۱۳۸۶)، «جمعیت و شهرنشینی در استان گیلان، یک بررسی جغرافیایی»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال ۲، شماره ۵، صص ۲۲-۵.
۲. احمدی پور، زهرا، جعفرزاده حسن و میرزایی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، «تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین با تاکید بر ایران»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۴، صص ۱-۱۲.
۳. امیرانتخابی، شهرام، (۱۳۹۴)، «پیامدهای تبدیل روستاها به شهر در ناحیه فومنات»، جغرافیا، شماره ۴۶، صص ۲۳۵-۲۵۱.
۴. پور رمضان، عیسی و مهدوی، رضا، (۱۳۹۱)، «تحلیل سازمان فضایی فعالیت‌ها در استان گیلان»، چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۲۰، صص ۱۰۰-۱۱۷.
۵. تقوایی، مسعود و مبارکی، امید، (۱۳۹۱)، «تحلیل سیستم‌های شهری کلان منطقه آذربایجان طی سال‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۸۵»، مجله جغرافیا، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۱۹۴-۱۷۱.
۶. حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف، (۱۳۸۵)، «کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای»، یزد، انتشارات نوین، چاپ اول.
۷. داداش‌پور، هاشم و رفیعیان، مجتبی، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر سازمان یابی فضایی سیستم شهرهای نواحی ساحلی جنوب ایران»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۸، شماره ۱۴، صص ۹۷-۱۳۱.
۸. زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۶)، «بررسی تحولات نخست‌شهری در ایران»، هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۲۹-۳۸.
۹. زنگنه، یعقوب، سمیعی‌پور، داود و حمیدیان، علیرضا، (۱۳۹۲)، «تبدیل روستا به شهر و نقش آن

- در توسعه منطقه‌ای و تحولات نظام شهری (مطالعه موردی، استان خراسان رضوی)، «مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۱۳، صص ۱۷-۳۶».
۱۰. زنگنه شهرکی، سعید، (۱۳۹۲)، «فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خام‌شهرها»، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۵۲۵-۵۵۷.
۱۱. زیاری، کرامت‌اله، (۱۳۷۸)، «اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ اول.
۱۲. زیاری کرامت اله و رمضان زاده رقیه، (۱۳۹۲)، «روستاشهر و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای (مطالعه موردی، شهرستان بروجرد)»، چشم‌انداز جغرافیایی، دوره ۸، شماره ۲۴، صص ۱۷-۳۷.
۱۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، (۱۳۹۶)، «تهیه و بازنگری برنامه آمایش استان گیلان»، رشت.
۱۴. سعیدی، عباس، (۱۳۸۷)، «ناحیه»، در دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، به سرپرستی عباس سعیدی، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول، ص ۷۹۷.
۱۵. شیخ اعظمی، علی، (۱۳۹۳)، «نقش شبکه شهری در توسعه منطقه‌ای، نمونه موردی استان مازندران»، فصلنامه ساختار و کارکرد شهری، دوره ۲، شماره ۸، صص ۳۵-۶۱.
۱۶. صرافی، مظفر، (۱۳۷۷)، «مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای»، تهران، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.
۱۷. عزیزی، محمدمهدی، زبردست، اسفندیار و برنافر، مهدی (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر عوامل و اثرات تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری استان گیلان (۱۳۳۵-۱۳۹۵)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۸۷-۲۱۷.
۱۸. عظیمی، ناصر، (۱۳۹۱)، «نظریه نظام آسیایی و یک مطالعه موردی در ایران»، تهران، نشر ژرف، چاپ اول.
۱۹. کریمی بهرام، بدری سید علی، سلمانی محمد (۱۳۹۳)، «بررسی نگرش مردم محلی به سیاست تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت (مطالعه موردی: بخش دیلمان، شهرستان سیاهکل)»، دوره ۱۳ (۳۷)، صص ۱۹۳-۲۱۲.
۲۰. مرصوسی، نفیسه، حکمت، حسن، پورمحمدی، محمد و رحمانپور، علی اکبر (۱۳۸۸)، «تحلیل توسعه ناحیه‌ای با تاکید بر تقویت سازمان فضایی شهرها، مطالعه موردی: شهرهای کوچک ناحیه مرند»، جغرافیا، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۱۴۵-۱۵۷.
۲۱. منزوی، مهشید و دلیر، اسماعیل، (۱۳۸۹)، «اصول توسعه و عمران منطقه‌ای»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
۲۲. مهندسین مشاور نقش جهان پارس، (۱۳۹۱)، «طرح مجموعه شهری رشت، جلد اول، تعیین و تدقیق محدوده و جایگاه مجموعه شهری»، رشت، اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان.
۲۳. وزارت مسکن و شهرسازی، (۱۳۸۸)، «طرح کالبدی منطقه شمال»، تهران.
۲۴. یوسفی، اسماعیل، وارثی، حمیدرضا، تقوایی، مسعود و بیک‌محمدی، حسن، (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر روند جایگاه شهرهای کوچک در نظام شهری در دوره ۱۳۳۵-۱۳۸۵ با استفاده از مدل Balance Sheet»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۸ (۱)، صص ۳۵-۵۶.
25. Alberta Health & Wellness, Health Surveillance Branch, 2003, Calculating Small Area Analysis: Definition of Sub-regional Geographic Units in Alberta Geographic Methodology Series No. 5, Edmonton, Alberta.
26. Buser, M. & Farthing, S., 2011, Spatial Planning as an Integrative Mechanism: A Study of Sub-regional Planning in South Hampshire, England Planning Practice & Research, vol. 26(3), pp. 307-324.
27. Chakraborty, S. and Chakma, N., 2014, Trend of Urbanisation and Growth of Small Towns in Barddhaman District, West Bengal, India, Scientific Annals of Alexan-

- dru Ioan Cuza University of Iasi - Geography series, Vol 60 (1), pp. 200-209.
28. Guin, D. and Das, D. N., 2015, Spatial Perspectives of the New Census Towns, 2011. A Case Study of West Bengal, *Environment and Urbanization Asia*, No. 6(2), pp. 109-124.
29. Knight, J., 1994, Town Making in Rural Japan. An Example from Wakayama, *Journal of Rural Studies*, Vol. 10, No. 3, pp. 249 – 261.
30. Ma, L. J. C., 2002, Urban Transformation in China, 1949-2000. A Review and Research Agenda, *Environment and Planning*, No. 34, pp.1545-1569.
31. Manta, R., Borah, J. and Borah, J., 2013, Growth of Small Towns in the Surroundings of Guwahati City, Assam, India, *International Journal of Scientific & Engineering Research*, Vol. 4, pp. 1135-1150.
32. Mc Cann, E. & Ward K., 2011, "Introduction", In *Mobile Urbanism*, ed. Mc Cann, E., Ward, K, Minneapolis: Minnesota University Press.
33. Mitra, A. & Kumar, R., 2015, New Patterns in Indian Urbanization. Emergence of Census Towns, *Environment and Urbanization Asia*, No. 6(1), Pp. 18-27.
34. Owusu, G., 2005, The role of district capitals in regional development Linking small towns, rural-urban linkages and decentralization in Ghana, *IDPR*, Vol. 27, pp. 59-90.
35. Pacione, M. 2003, *Urban Geography, A Global Perspective*, 2ed edition, Routledge, London.
36. Purohit, B.C., 2008, Health and Human Development at Sub-state Level in India, the *Journal of Socio-Economics*, No. 37, PP. 2248-2260.
37. Sartipipour, M., 2012, the Nature of Big Villages and Small Towns: towards Creating Ideal Small Settlements, *Journal of Geography and Regional Planning* Vol. 5(14), pp. 369-374.
38. Short. R. 1996, *urban order*, Blackwell, London.
39. Tacoli, C., 2003, the Links between Urban and Rural Development, *Environment and Urbanization*, No. 15, pp. 3-12.
40. UNCHC, 2009, *Small Town and Its Position in Third World*, New York.
41. Van der Laan, L., 1998, *Changing Urban Systems: an Empirical Analysis at Two Spatial Levels*, *Regional Studies*, Vol. 32(3), pp. 235-247.
42. Van Leeuwen, E., 2008, *Towns Today. Contemporary Functions of Small and Medium-Sized Towns in the Rural Economy*, Ph.D. diss., Vrije Universiteit, Amsterdam.
43. Wu, F., 2016, *Emerging Chinese Cities: Implications for Global Urban Studies*, the *Professional Geographer*, No. 68(2), Pp. 338-348.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management

شماره ۵۴ بهار ۹۸  
No.54 Spring 2019

■ ۲۶ ■